

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ اپریل ۲۰۲۲

ضربه مهلک به امپراتوری دالر، هدیه‌ای به ملت‌های جهان

همه شنیده‌اند و غرب هنوز از بهت بیرون نیامده است و در سردرگمی و نگرانی فرو می‌برد. چه اتفاقی افتاده است؟ پوتین یک بمب اتمی بدون رادیو آکتیو در بازار مالی جهان در خارج از اوکراین منفجر کرد. این اقدام که مدت‌هاست میان ممالک بریکس، در کنفرانس شانگهای، در منطقه اورو آسیا در باره آن بحث و تبادل نظر می‌شود این است که چگونه باید دالر بی‌پشتوانه و کاغذ پاره را به زباله‌دان تاریخ افکند و پول معادل و معتبری در جهان خلق کرد که جای امپراتوری غارتگر دالر را بگیرد. روسیه نخستین گام مهم و معتبر را در این عرصه برداشت و اعلام کرد که از این به بعد حامل‌های انرژی خویش را به روبل می‌فروشد.

همه دول غربی که تمام قراردادهای بین‌المللی را هر وقت که به نفع خودشان است پاره پاره می‌کنند و به طرف محق قرارداد دشنام می‌دهند- نگاه کنید به قرارداد برجام، قرارداد ساختن نیروگاه هسته‌ای با آلمان، قرارداد تلغیظ اورانیوم با کارخانه اورودیف در فرانسه که بزرگترین مرکز غنی سازی دنیا است و ۱۰ درصد آن به ایران تعلق دارد، قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی که با کنسرسیومی به رهبری شرکت توتال فرانسه منعقد شده بود و ...- به یکباره اعلام کردند قرارداد را نمی‌شود یک طرفه ملغی کرد و در قرارداد میان روسیه و آلمان به صراحت آمده است که برای پرداخت هزینه گاز، نفت و ذغال سنگ باید یورو و دالر پرداخت کرد. به یکباره متون قراردادها معتبر و قانونی شدند. دیگر قول و قرارها دارای اعتبارند مگر این که مربوط به گسترش ناتو به سمت شرق اروپا، محاصره روسیه و تجاوز به آن برای تجزیه روسیه و برده کردن ملل آسیا باشد. این منطق آدمخواران «متمدن» است. روسیه به رهبری پوتین که طبیعتاً از منافع امپریالیسم روس دفاع می‌کند ابراز داشت که توسط بانکی که آمریکا قادر نشده بود به علت نیاز اتحادیه اروپا به تجارت حامل‌های انرژی در تحریم‌ها و کمند «سویفت» وارد کند، پرداخت بهای نفت را می‌پذیرد. «سویفت» (SWIFT) انجمن ارتباطات مالی بین بانکی جهانی است که تراکنش‌های مالی و پرداخت‌های بین بانکی را در سراسر جهان انجام می‌دهد و تحت نظارت و کنترل امریکا است. پوتین در این رابطه افزود مسؤلان بانک باید در بازار ارز، روبل خرید و به شرکت‌ها و یا دولت روسیه روبل بپردازند. از این طریق در بازار عرضه و تقاضای ارز، تلاش برای خرید روبل افزایش یافته، بهای آن ترقی نموده و به تثبیت آن در مقابل یورو و دالر می‌انجامد و در عین حال از نظر عمق ستراتیژیک نظام حکومت دالر نیز را درهم می‌ریزد. روسیه بدعتی گذارده که از این به بعد

می‌شود در جهان با معادل جدیدی معامله کرد که نام آن روبل است. دولت روسیه اعلام کرد که روبل دارای پشتوانه طلاست و بهایش تنها به نوسانات طلا ربط دارد.

پوتین در راستای گزینش استاندارد طلا برای روبل روسیه حرکتی اقتصادی برای بازگشت به دوران «برتن و ددز» انجام داد و تصمیم مهم و ستراتیژیک سیاسی برای فروپاشی دالر در پیش گرفت. هر گرم طلا از نظر بانک مرکزی روسیه برابر است با ۵۰۰۰ روبل. این مانور سنجیده و آماده شده توسط روسیه، روز به روز ارزش ارزهای دیگر نسبت به روبل روسیه را کاهش خواهد داد. پوتین در واقع ماشین چاپ پول بانک‌های خصوصی را کفلرها را در امریکا از کار انداخت. با این اقدام نه تنها دیگر هیچ تحریمی علیه روبل روسیه بخت پیروزی نخواهد داشت بلکه روبل روسیه با پشتوانه طلا مانند اسلحه‌ای جهت نابودی دستگاه مالی بدون پشتوانه جهان عمل خواهد نمود. فراموش نکنیم روسیه جزو تولیدکنندگان طلا نیز تلقی می‌شود. فراموش نکنیم که تمام ممالک جهان حتی پاره‌ای از ممالک اروپای غربی از این که امریکا قادر است با فعال کردن و کنترل نظام بانکی کنترل و مبادلات مالی را از طریق سازوکار «سویفت» در دست بگیرد و فرمان صادر کند رضایت ندارند، زیرا حق حاکمیت ملی و استقلال رأی آنها را محدود می‌نماید. کشورهای جهان خواهان درهم شکسته شدن دستگاه «سویفت» هستند و اعمال تحریم‌های مالی را بر سایر کشورها محکوم می‌کنند و آن را در رأی‌گیری اخیر خود به ضد اعمال تحریم در ملل متحد نشان دادند. این مؤلفه‌ها همه در خدمت اعمال سیاست پرداخت به روبل است و تعیین یک پول معادل جهانی با پشتوانه برای زندگی بهتر است.

به نقل از خبرگزاری روسیه امروز اقتصاددانان از جمله کارین کنایسل اظهار نظر می‌کنند که: «خرید روبل در بازار ارز» چندان آسان نیست. به بیان دیگر خریداران باید روبل را مستقیماً از بانک مرکزی روسیه یا یک نهاد مرتبط با نرخ بهره تعیین شده توسط طرف روسی خریداری کنند. این بدان معناست که واردکنندگان یعنی تحریم‌کنندگان روسیه خودشان تحریم‌ها را تضعیف خواهند کرد. در بلندمدت، روبل می‌تواند بخشی از یک سبد ارزی جدید شود که در تجارت کالا و به طور کلی تجارت جهانی نقش دارد.»

این تثبیت روبل در جهان ضربه مهلکی به دالر و یورو زده است. روسیه به قبل از سال‌های ۱۹۷۱ که ریچارد نیکسون امریکایی با یک کودتای ارزی دالر را از پشتوانه طلا جدا ساخت و آن را شناور اعلام کرد برمی‌گردد. این اقدام پوتین مورد تأیید چین، هندوستان، ایران و بسیاری ممالک دیگر نیز قرار گرفت تا بتوانند به معاملات تهاتری و یا پذیرش یک ارز جهانی مانند یوان، روبل و یا روپیه و شاید حتی ریال در آینده بدون تحریم دست زنند. این بمب اتمی پوتین بازار جهانی ارز را منفجر کرده است و امپراتوری دالر در بسیاری از جبهه‌ها در هم شکسته و موجی از بحران در امریکا و کشورهای که خود را به دالر وابسته کرده‌اند ایجاد خواهد کرد. باید منتظر کشمکش‌های سختی میان دولت‌ها و طبقات اجتماعی در ممالک سرمایه‌داری بود. دیگر ساده نخواهد بود که ممالک متروپل امپریالیستی غرب بار بحران‌های خویش را به دوش سایر ملل منتقل کنند.

صندوق بین‌المللی پول با عنوان «تحریم‌ها دالر را تضعیف می‌کند - همزمان روبل به شدت در حال افزایش است».

در تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۲۲ نوشت: «بسته تنبیهی عظیم غرب، به رهبری واشنگتن، علیه فدراسیون روسیه به نظر می‌رسد که با ادامه افزایش شدید روبل، نتیجه معکوس داشته باشد. کشورهای اروپای غربی اکنون باید تصمیم بگیرند که آیا در صورت قطع گاز روسیه، روبل را تقویت کنند یا شاهد سقوط بسیاری از صنایع شان باشند.

به گفته «گیتا گوپینات» (Gita Gopinath)، معاون اول مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول: «تحریم‌های روسیه می‌تواند سلطه جهانی دالر امریکا را تضعیف کند». «گیتا گوپینات» (Gita Gopinath) در مصاحبه‌ای با نشریه فایننشال تایمز در روز چهارشنبه گفت: «دالر مهم‌ترین ارز جهانی در این محیط باقی خواهد ماند، ولی تکه تکه شدنش

در سطح کوچکتر کاملاً ممکن است». وی افزود که: «برخی از کشورها در حال حاضر در حال مذاکره مجدد در مورد ارزی هستند که برای تجارت با آنها پرداخت می‌شود. روسیه و هند در حال حاضر در حال آماده سازی سازوکار روپیه- روبل هستند که به آنها اجازه می‌دهد با ارزهای محلی خود معامله کنند و دالر را دور بزنند».

برای فهم مسأله و تحلیل رویدادهای سیاسی اخیر باید مفاهیم را بسیار ساده کنیم و به عمق پدیده‌ها رسوخ نمائیم. پول کاغذی و یا سکه زمانی ارزش دارد و تنها کاغذ پاره نیست که بشود با آن خرید کرد، یعنی قدرت خرید داشته باشد. این قدرت خرید باید دارای اعتبار عمومی بوده و مورد قبول مردم باشد. شما وقتی از بانک یک کشوری پول کاغذی دریافت می‌کنید، تا قبل از سال ۱۹۷۱ این معنی را داشت که معادل همان مقدار پول کاغذی که دریافت کرده‌اید در گاو صندوق‌های بانک مرکزی طلا وجود داشته و لذا پشتوانه پول کاغذی شما طلا بوده که شما هر زمان که بخواهید می‌توانید آن را با طلا معاوضه کنید. در سده‌های ۱۹ و ۲۰، طلا نقش کلیدی در تراکنش‌های مالی بین‌المللی داشت. از استاندارد طلا برای حمایت از ارزها استفاده می‌شد. ارزش بین‌المللی ارز از طریق نسبت ثابتی که با طلا داشت سنجیده می‌شد. طلا در عین حال برای بازپرداخت‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گرفت. استاندارد طلا منجر به حفظ ثبات نرخ مبادلات ارزی می‌شد و این امری مطلوب بود چرا که ریسک تجارت بین‌المللی را کاهش می‌داد. این دستگاه ارزی در بعد از جنگ جهانی دوم میان دول بزرگ و فاتحان جنگ به رهبری امریکا تنظیم و تعیین شد و دالر جای پوند استرلینگ انگلیس را گرفت. به این دستگاه نظام «برتن و ددز» گفتند.

امریکا برای تأمین جنگ‌های تجاوزکارانه خویش، برای پرداخت بهای سلاح‌ها و تأمین هزینه‌های تسلیحاتی میلیاردها دالر بدون پشتوانه چاپ کرد و به بازار ریخت. حجم دالرها در بازار بیش از مقدار طلائی بود که در بانک‌های امریکائی نگهداری می‌شد و دولت امریکا ضمانت معاوضه یک به یک آن با هر دالر را به عهده گرفته بود. جنگ ویتنام ضربه قطعی را به امریکا زد و بحران دالر جهان را به نابودی تهدید می‌کرد. تمام ذخایر ارزی کشورها عملاً بی‌ارزش و بی‌اعتبار شده بودند. دولت امریکا، بانک‌ها و کارشناسان اقتصادی تلاش کردند تا برای این وضعیت خطرناک راه حلی پیدا نمایند.

در نوامبر ۱۹۶۸ همه تلاش‌ها برای حفظ ارزش طلا با شکست قطعی روبه رو شد و معلوم شد نظام سابق «برتن و ددز» که مورد تأیید و تضمین غرب و به ویژه امریکا قرار داشت دیگر کارگر نیست و به پایان امکانات خود رسیده است و سپس یک برنامه تازه برای تبدیل نظام «برتن و ددز» به یک سازوکار شناور پیشنهاد شد. این نظام باید بر پایه سیاست «پول بدون پشتوانه» و جدا کردن آن از طلا برپا می‌شد. ارزش این پول بدون پشتوانه باید در بازار عرضه و تقاضا تعیین می‌گردید. امریکا برای تعیین ارزش دالر در بازار بورس به تمهیداتی نیز متوسل شد و آن این که کشورهای مولد انرژی فسیلی را وادار کرد تا نفت خود را به دالر بفروشند و لذا ممالک سراسر جهان که به انرژی فسیلی نیاز داشتند ناچار بودند برای خرید دالر به بازار هجوم آورند که بهای دالر بدون پشتوانه را به پشتوانه وجود منابع انرژی در جهان افزایش می‌داد. امریکا به حساب سایرین ثروتمند می‌شد. به این ترتیب امریکا با ماشین چاپ بانک‌های کلان خصوصی «فدرال رزرو» امریکا، پول بدون پشتوانه به صورت انبوه چاپ می‌کرد و به بازار می‌ریخت. ارزش‌های بازار را تصاحب و غارت می‌کرد. همه ممالک جهان در این شبکه عنکبوتی مالی غارتگرانه امریکا در جهان گیر افتاده‌اند و هر کشوری که بخواهد از این اسارت خود را نجات دهد با تجاوز و سرکوب ارتش امریکا روبه رو می‌شود.

امریکا با ارتش خود و ارتش ناتو برای استیلای دالر بر جهان در حال آماده باش است. وقتی معمر قذافی رئیس‌جمهور کشور مستقل لیبیا اعلام کرد که انرژی فسیلی کشورش را به دالر نمی‌فروشد وی را سرنگون کردند و همین بلا را بر

سر صدام حسین در آوردند که می‌خواست نفت خود را با یورو بفروشد. امریکا نمی‌پذیرد که بند سوءاستفاده و نوشیدن خون ملت‌ها توسط خودش پاره شود. در واقع پشتوانه پول امریکا پنتاگون است و این سازوکار، قدرت خرید ظاهری دالر را تضمین می‌کند. همه دنیا برای امریکا کار می‌کنند.

در مقاله ویکیدیا در مورد تاریخ این رویداد چنین می‌خوانید: «تراز منفی پرداخت‌ها، بدهی رو به افزایش دولت که حاصل از جنگ ویتنام و برنامه جامعه بزرگ بود و به تورم پولی وزارت خزانه‌داری منجر شد، ارزش دالر پیوسته افزایش یابد. کاهش ذخیره طلای امریکا منجر به فروپاشی مخزن طلای لندن در مارچ ۱۹۶۸ شد. پوشش طلای امریکا از ۵۵٪ به ۲۲٪ در سال ۱۹۷۰ رسید. از دید اقتصاددانان نوکلاسیک، این وضع نشانگر عدم اعتماد دارندگان دالر به توانایی دولت امریکا در کاستن بودجه و کسری تجاری بود.

در ۱۹۷۱ دالرهاى بیشتری در واشنگتن چاپ شد و به خارج فرستاده شد تا هزینه‌های برنامه‌های نظامی و اجتماعی دولت را پرداخت کنند. در شش‌ماهه نخست ۱۹۷۱، دارائی‌هائی به ارزش ۲۲ میلیارد دالر از امریکا خارج شد. در پاسخ به این وضع، ریچارد نیکسون در ۱۵ اگست ۱۹۷۱ فرمان اجرائی ۱۱۶۱۵ را صادر کرد. این فرمان در پی قانون تثبیت اقتصادی سال ۱۹۷۰ صادر می‌شد و بر پایه آن دولت به طور یکسویه ۹۰ روز حقوق و قیمت‌ها را کنترل می‌کرد، ۱۰٪ بر مالیات واردات می‌افزود و از همه مهم‌تر «پنجره طلا» بسته می‌شد یعنی دیگر دالر مستقیماً به طلا قابل تبدیل نبود مگر این که این کار در بازار آزاد صورت می‌گرفت.»

گرچه در عرصه رسانه‌ئی و دروغ‌پردازی که غرب در آن تبحر فراوان دارد، روسیه برنده آن نیست و اتهامات واهی بسیاری به وی چسبانده‌اند که مدت‌ها زمان می‌برد تا این اتهامات هالیوودی برطرف شود، ولی روسیه در عرصه سیاست ستراتیژیک اقتصادی بر سلطه بلامنازع دالر پیروز شده است. جهان چند قطبی در عرصه مالی در حال شکل گرفتن است و امریکای سلطه‌گر یکی از ابزارهای مهم هژمونیک خویش در دنیا را از دست خواهد داد. خداحافظ امریکا.